

پیشگفتار می‌نویسند: «اما دانشجویان باید در همه موارد از عهده بحث و فحص در مسائل لغوی، بدیعی، بیانی و... و به طور کلی مسائل ادبی که تاکنون خوانده‌اند برآیند و همکاران گرامی در تدریس این گونه مسائل را مطرح کنند، لذا در خودآزمایی‌ها پرسش‌هایی را مثلاً در مورد ریشه لغات یا بدیع یا عروض مطرح کرده‌ام که در متن همه آنها را توضیح نداده‌ام.»^۳

نکته دیگری که استاد در فراهم آوردن این گزیده به آن نظر داشتند تدوین آن بر اساس منطق الطیر دکتر سیدصادق گوهرین بود. تاکنون بهترین تصحیحی که از این اثر انتشار یافته همین نسخه است، اما توجه به این امر ایشان را از استاد به سایر نسخ باز نداشت و بنا به فرموده خودشان «گاهی به نسخ بدل متوسل شدند و در یکی دو مورد نیز ناچار به تصحیح قیاسی گردیدند»^۴ که به صرف جنبه آموزشی آن، کاری درخور تحسین است و باعث بهبود و تسهیل امر آموزش می‌گردد و روح تفحص و تحقیق را در فراگیر بیدار می‌کند و شیوه کار را در متون به وی می‌آموزد.

اما چه شایسته بود که مؤلف دانشمند در چند بیت دیگر نیز از نسخه بدلها یاری می‌جستند تا شاید به گونه‌ای مشکل معنایی و قافیتی این ابیات نیز برطرف می‌شد و دانشجو از سردرگمی و سرگردانی رهایی می‌یافت از جمله این ابیات، بیت ۳۰ صفحه ۴۸ کتاب است که:

گفت چون می‌دیدمت ای بی‌هنر
بر تو می‌خندیدم آن ای بی‌خبر

ضبط نسخه بدل «بس بی‌هنر» است که به دلیل فصاحت کلام و روانی معنی مناسب‌تر به نظر می‌رسد.^۵
یا در صفحه ۷۷ بیت ۲۶ آمده است:

برایش تدارک می‌بینند، بایسته بود نگارنده فاضل منطق الطیر نیز از این شیوه در آغاز هر یک، از فصلها بهره می‌بردند.

موضوع دیگری که در این کتاب جلب توجه می‌کند بخش طرح خودآزمایی‌هاست که به دو علت دارای اهمیت است: اول آن که پرسش‌ها کلیشه‌ای و بسته طرح نشده و بسیار متنوع‌اند و دیگر آن که در طرح پرسشها، تستهای چهارگزینه‌ای دیده نمی‌شود. هر چند آگاهی که بخش عظیمی از سوالات، امتحانی دانشجویان پیام نور را همین تستهای چهارگزینه‌ای به خود اختصاص داده‌اند ولی به لحاظ این که طرح چنین پرسشهایی نمی‌تواند فراگیران را به سمت آموزشی عمیق و پویا سوق دهد چندان دارای اهمیت نیست و تنها به تقویت حافظه فراگیران کمک می‌کند.

اما بد نیست که به این نکته نیز اشاره داشته باشیم که امروزه با توجه به علم روش‌های سنجش و اندازه‌گیری آموزشی بهتر است پرسشها را بر اساس حیطه‌های شناختی طرح کنیم. در بررسی پرسشها بر این معلوم شد که بیشتر آنها در حد حیطه دانش هستند و طرح پرسشها در حد دانش، فقط باعث حفظ کردن نکات اصلی درس می‌شود و فراگیر را در همین حد نگه می‌دارد و مانع ورود او به مرحله درک و فهم می‌گردد و وقتی دانشجو نکات مهم درس را درک نکند به تبع آن از خواندنش نیز لذت نخواهد برد.

از نکات سودمندی که در طرح خودآزمایی‌ها به آن توجه شده است آوردن پرسش‌هایی درباره مسائل مختلف ادبی است که دانشجو در طول دوره تحصیل خود، آنها را آموخته است. اشاره به مباحث ادبی و پرسش از آنها در جای جای کتاب، این امکان را فراهم می‌آورد که فراگیر پیوسته این مباحث را در ذهن خود تداعی کند تا بتدریج پایا گردد. مؤلف محترم در قسمت

منطق الطیر فریدالدین عطار نیشابوری از فهرست کتابهای خودآموز دانشگاه پیام نور گزیده‌ای است که به همت استاد فرزانه جناب آقای سیروس شمیسا برای رشته ادبیات فارسی تدوین شده است. بنده خود سالهاست که این کتاب را در دانشگاه تدریس می‌کنم و در فراز و فرود این دوران گاه به زعم خود به نکاتی برخوردیم؛ بنا به امر خود استاد که در دو سطر پایانی بخش پیشگفتار مرقوم فرموده‌اند: «امیدوارم همکاران گرامی، دانشجویان علاقه‌مند در ضمن مطالعه مرا از نظریات اصلاحی خود برای چاپ آینده - آگاه سازند.»^۱ بر آن شدم تا نکاتی را که در طول این چند سال بر حاشیه کتاب یادداشت کرده‌ام، گردآوری و تنظیم نمایم و برای اصلاح و تجدیدنظر در چاپهای بعدی به پیشگاه استاد تقدیم کنم. گرچه به خوبی می‌دانم حسن کارشان در این کتاب و آثاری که تألیف کرده‌اند چندان است که در مقام مقایسه با نکاتی که بنده فهرست می‌کنم درست حکم این بیت سراینده عالی همت منطق الطیر را دارد که می‌فرماید:^۲

چند گردی گرد صورت عیب جوی

حسن در عیب است حسن از عیب جوی
طبق روال پسندیده و مفید کتابهای خودآموز پیام‌نور که در آغاز هر فصل یا درسی، هدفهای رفتاری درس را معین می‌کنند و بدین ترتیب حد و مرز دانش فصلها و زوایای شناختی و یادگیری بخشهای کتاب را در چهارچوبی منظم مشخص می‌نمایند و انتظاری را که از فراگیر است بدین طریق به وی متذکر می‌شوند و با مهیا کردن عرصه تفکر و اندیشه، زمینه ورود مناسبی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

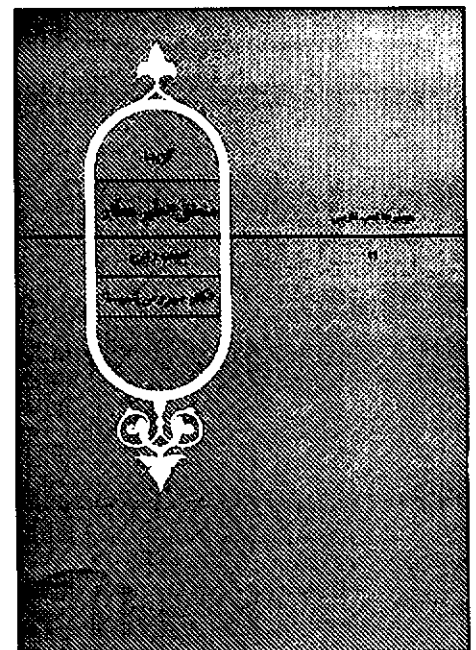
بروین تاج بخش

گذری بر منطق الطیر عطار

منطق الطیر عطار

سیروس شمیسا

مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور



می بیاید رفت سوی روم زود

تا شود تدبیر این معلوم زود
در نسخه بدل دکتر گوهرین و متن دکتر مشکور به
جای تدبیر، «تعبیر» آمده است که با خواب هم مناسبت
دارد.^۶

یا در صفحه ۹۰ بیت ۱۲ می خوانیم:

بایزید آمد شبی بیرون ز شهر

از خروش خلق خالی دید شهر
در نسخه بدل آقای گوهرین و نسخه آقای مشکور،
در مصرع دوم «دهر» به جای «شهر» ضبط شده که
صحیح تر است و جای بحثی هم برای مشکل قافیتی
آن باقی نمی ماند.^۷

و در صفحه ۹۹ بیت ۲۰ می خوانیم:

زانک ترسیدم که چون شد سیم جفت

راهزن گردد فرو نتوان گرفت
در نسخه بدل دکتر گوهرین مصرع دوم به این
صورت آمده است:

«شب ز بیم راهزن نتوان یخفت» که با استناد به آن
مشکل قافیه نیز حل می شود.^۸

همچنین در ص ۱۰۲ بیت ۱۸ آمده است:

زود در مالید آن خورشید و ماه

دست برزیده به روی همچو ماه
ضبط نسخه بدل دکتر گوهرین و متن دکتر مشکور،
«خورشید راه» است که صحیح تر به نظر می رسد و با
انتخاب آن مشکل قافیه نیز نخواهیم داشت.^۹

یا در ص ۱۰۸ ب ۱۵ آمده است:

چون شدم در زیر محنت پست تو

کی مرا تلخی کند از دست تو
در نسخه بدل به جای محنت، «نعمت» آمده^{۱۰} که
با توجه به ارتباط عمودی و افقی ابیات حکایت
درست تر است در غیر این صورت ارائه توضیحی روان و
مطلوب برای بیت دشوار است. و در صفحه ۱۴۶ بیت ۲۶
چنین می خوانیم:

گفت ما را هر دو دریا نار و نور

می بیاید رفت راه دور دور
در نسخه مشکور به جای دو دریا، «هفت دریا» ذکر
شده که با توجه به بیت بعد نیز مناسب تر است.^{۱۱}
از دیگر مواردی که اصلاح آن بر بعد آموزشی کتاب
می افزاید و به آن غنای بیشتری می بخشد بازنگری

مجدد به وضع توزیع و معنای لغات و اشارتی است که در
بخش توضیحات آمده است. اگر بخواهیم همه لغات
کتاب را در بخش پایانی آن با عنوان «واژه نامه»
فهرست کنیم به یقین می توان گفت حدود نیمی از آن
زاید است زیرا بیشتر لغات معنی شده به دلیل کثرت
کاربرد برای فارسی زبانان آشنا و مانوس است و درج
همه آنها جز افزایش حجم کتاب فایده دیگری دربر
ندارد. همچنین آوردن معانی واژه هایی مانند سرکشی
(ص ۶۶)، بدیع (ص ۷۲)، تدبیر (ص ۸۳)، فسرده
(ص ۹۴)، زود (ص ۹۶) گردون (ص ۱۰۶) گردیدن (ص
۱۰۷) یازداد (ص ۱۰۸) بیم (ص ۱۱۶) آرایش (ص ۱۶۶)
بتدریجی (ص ۱۶۷) و... آن هم در سطح دانشگاه
مشکلی را حل نمی کند زیرا دانشجوی ناآشنا به ادبیات
هم می تواند مفهوم این واژه ها را براحتی از فرهنگها
بیابد. گذشته از آن، این ساده نگری در نهایت جز
آشفته گی ذهن خواننده و عادت دادن وی به پخته خواری
حاصلی ندارد. همچنین به هنگام مطالعه کتاب متوجه
شدم که معنی پاره ای از لغات بیش از سه بار تکرار
شده اند در حالی که با ارجاع به آن می توانستند از تکرار
بپرهیزند، از جمله آن لغات عبارتند از:

بوک: صص ۵۱، ۱۱۰، ۱۳۰، ۱۳۳. تیغ: صص ۲۵،
۲۷، ۵۷

کلی و کل: صص ۸۴، ۱۲۹، ۱۴۷، ۱۴۸. مصحف:
صص ۷۴ و ۸۴.

زود: صص ۹۶ و ۱۵۸ سودا و سودایی. صص ۴۶،
۵۸، ۱۰۸ و ۱۴۷.

کشف و جهان کشف صص ۸۳، ۸۵، ۱۱۳. سرهنگ
و سرهنگی صص ۲۵، ۵۷ و ۱۲۱.

برفروز و برفروختن: صص ۴۱، ۱۳۲ و ۱۵۷. تن زدن:
صص ۴۹، ۶۱، ۸۴ و ۱۶۱.

استغنا: صص ۱۲۶، ۱۳۷، ۱۵۳، ۱۵۵ و...
در حالی که برخی تعبیرات و اصطلاحات در کتاب
دید می شود که نیاز به توضیح دارند ولی متأسفانه
بی هیچ اشاره ای در کتاب باقی مانده اند از جمله:

دیده برافکندن (ص ۷۶ بیت ۵)

چشم بر بستن (ص ۶۲ بیت ۳)

مذهب تجلی (ص ۷۲ ذیل توضیح ش ۱۲)

مذاهب غنوسی (ص ۱۰۴ س ۴)

به سرگشتن (ص ۱۵۶ بیت ۲۵)

دل پر خون کردن (ص ۶۳ بیت ۳)

صحو بعد از محو (ص ۸۶ ذیل توضیح ش ۹۵)

مهتاب پیمودن (ص ۱۳۵ ب ۲۰) و...

بحث درباره ابیات نیز اهمیت خاصی دارد و از
جهاتی درخور تأمل است. در بخش توضیح ابیات گاه به
مواردی برخوردیم که به عنوان شرح بیت نه تنها کافی
نیست بلکه در مواردی هم جای بحث دارد. در اینجا به
عنوان مثال به چند نمونه اشاره می شود:

۱- پاره پاره خاک را در خون گرفت

تا عقیق و لعل ازو بیرون گرفت

(ص ۲۴ ب ۱۷)

به حقیقت در پاره ای موارد جستن و ارائه یک معنی
و مفهوم برای ابیات کاری بی فایده است زیرا در حوزه
هنر و ادبیات که شعر نیز جزوی از آن است استدلال بر
پایه منطق ریاضی استوار نیست، به همین سبب است
که می گویند ادبیات منشوری را می ماند که دارای
جلوه های گوناگون است، پس شایسته بود که مؤلف
محترم در توضیح و تبیین ابیات، با توجه به خودآموز
بودن کتاب معیارهایی را در اختیار خواننده قرار می دادند
تا آنان به مدد همین ملاکها بتوانند به ساحت های
مختلف هنری یک شعر یا نثر راه یابند و طعم گوارای
معانی و مفاهیم متنوع آن را بچشند.

مؤلف در ذیل توضیح بیت مذکور، عقیق و لعل را
استعاره از گل دانسته اند که درست و بجاست، اما به روی
دیگر سخن اشاره نکرده اند که عقیق و لعل همان
سنگ های قیمتی هستند که سرخ اند و مشهورترین
عقیق ها، عقیق یمانی است.

۲- خه خه ای طاووس باغ هشت در

سوختی از زخم مار هفت سر

(ص ۳۸ ب ۱۶)

طاووس باغ هشت در می تواند روح و جان باشد که
نماد هشت باب بهشت است.

۳- آب بنمایم ز وهم خویشتن

رازها دانم بسی زین بیش من

(ص ۴۲ ب ۸)

در توضیحات می خوانیم: «... در سوره النمل آمده
است که هدهد آب را در زیر زمین تشخیص می داد.»
بنده در سوره النمل آیه ای نیافتیم که به آب شناس بودن
هدهد اشاره ای داشته باشد. به یقین نویسنده فاضل

یادداشت‌های روان‌شاد استاد حسن قاضی طباطبایی را در بخش تعلیقات منطق‌الطیر دکتر مشکور ملاحظه فرموده‌اند؛ ای کاش ایشان آن یادداشت را در توضیح بیت می‌آوردند و یا خواننده را به تفاسیر ارجاع می‌دادند.^{۱۲}

۴- پادشاه خویش را دانسته‌ام

چون روم تنها چو نتوانسته‌ام

(ص ۴۲ ب ۱۳)

در توضیح بیت فوق می‌نویسند: «... به آغاز مصرع دوم به لحاظ معنا باید «اما» افزود؛ اما چگونه تنها بروم که نمی‌توانم» به نظر می‌رسد نیازی به افزودن «اما» نباشد زیرا می‌توان گفت: «چگونه تنها بروم وقتی که نمی‌توانم» تازه در صورت افزودن «اما» اشکال نگارشی نیز بر این عبارت وارد می‌شود. در دستور زبان فارسی امروز حروف پیوند را به دو دسته تقسیم می‌کنند: حروف پیوند وابسته‌ساز و حروف پیوند هم پایه‌ساز. از حروف پیوند وابسته‌ساز، جمله مرکب ساخته می‌شود و از جهت نگارشی درست نیست در جمله‌های مرکبی که با

وابسته‌سازها ساخته می‌شود حرف هم پایه‌ساز «اما» را به کار برد.^{۱۳}

۵- مرد می‌باید تمام این راه را

جان فشاندن باید این درگاه را

(ص ۴۲ ب ۲۲)

در توضیحات آمده است: «... تمام صفت مرد است» سپس در ادامه می‌افزایند: «هرگاه بین مضاف و مضاف‌الیه فاصله می‌انداختند «را»ی علامت فک اضافه می‌آوردند؛ تا سلسله ایوان بگسست مداین را یعنی سلسله ایوان مداین.» گویا ایشان «ر»ی مصرع اول را فک اضافه تصور کرده‌اند، در صورتی که در مصرع مذکور «را» در معنی «برای» حرف اضافه است.

۶- در سخن گفتن شکر ریز آمده

در شکر خوردن پگه خیز آمده

(ص ۵۰ ب ۲)

در توضیحات می‌نویسند: «پگه خیز اشاره به نماز صبحگاهی» گفتنی است اگرچه ترکیب پگه خیز، نماز صبح را به خاطر می‌آورد اما ارتباطی با مفهوم بیت ندارد، بنابراین گمان می‌کنم در مصرع دوم سبقت و برتری طوطی در شیرین سخنی منظور است.

۷- بعد از آن طاووس آمد زرنگار

نقش پرش صد چه؟ بلکه صد هزار

(ص ۵۱ ب ۱)

در توضیح بیت آورده‌اند: «بین که و چه سجع متوازی است».

سؤال اینجاست که چه ضرورتی دارد به سجع میان «که و چه» اشاره کنیم آن هم به صورتی که پس از نشان کردن چه و بلکه، «بل» را از اول «بلکه» انداخته و با ایجاد تناسبی نه چندان لازم میان کلمات. آن را سجع متوازی قلمداد نماییم؟

۸- چون بود در تیغ گوهر بر دوام

زان گوهر در تیغ می‌جوییم مدام

(ص ۵۶ ب ۱۱)

در توضیح بیت آمده: «تیغ: دسنة شمشیر پادشاهان، مرصع (جواهرنشان) بود. تیغ: کوه به مجاز جزء و کل، بین دو تیغ جناس تام است.»

تصور می‌کنم که به دلیل رسایی و روانی بیت نیازی نیست که بنویسیم بین دو تیغ جناس تام هست؛ چرا که شاعران عارف‌پیشه‌ای چون سنایی و از پی، او عطار و

مولوی در زمره گویندگانی هستند که به قصد تعلیم شعر سروده‌اند نه به صرف هنر شاعری. از طرف دیگر موضوع این بخش گزیده، عذرکبک است. این پرنده در کوه‌های سنگی و خاکی مسکن دارد و نمونه مردم جواهر دوست است که همه عمر خود را صرف جمع‌آوری انواع جواهرات کریمه و اشیای قیمتی و عتیق می‌نمایند،^{۱۴} و مانند باز آن پرنده شکاری معروف نیست که بتوان پیوند و ارتباطی میان آن پرنده با شاهان جست. بنابراین پیشنهاد می‌شود که معنای بیت بدین صورت اصلاح گردد: چون دایم بر کوه گوهر یافت می‌شود، به آن سبب همیشه در کوه به دنبال گوهر می‌گردم.

۹- گوهری خورشید فش در موی داشت

برقی شعر سیه بر روی داشت

(ص ۷۸ ب ۳۲)

علاوه بر توضیحات بیت که در صفحه ۸۳ کتاب مندرج است می‌توان مصرع اول را به صورتی دیگر نیز معنی کرد: آن دختر ترسا گوهر زینتی درخشانی به موی خود بسته بود.

از دیگر نکات درخور توجه، حذف و انتخاب ابیات بر اساس نسخه دکتر صادق گوهرین است. مؤلف محترم کوشیده‌اند منطق‌الطیر را به صورت گزیده‌ای مفید و مختصر درآورند و در این کار نیز تا حد بسیار موفق بوده‌اند، اما گاه گسیختگی و فاصله میان ابیات به صورتی است که بیت را نامفهوم می‌کند، به حدی که برای حفظ ارتباط منطقی ابیات و درک درست منظور شاعر، لازم است از نسخه اصلی ابیاتی را به قبل یا بعد برخی قسمت‌ها افزود تا معنی ابیاتی که به دلیل جداافتادن از پاره‌های اصلی خود ظاهراً دشوار به نظر می‌رسد، به روشنی فهمیده شود. البته تأکید می‌کنم که در افزودن این ابیات جنبه خودآموز بودن کتاب و طرف مخاطب (فراگیر) مورد نظر است و گرنه ابیات بسیار متناسب و به اندام گلچین شده‌اند.

۱- چون بلند و پست با هم یار شد

آدمی اعجوبه اسرار شد

(ص ۲۴ ب ۳۱)

برای درک مفهوم بیت مذکور بهتر است بیت پیشین

از نسخه اصلی ذکر گردد:^{۱۵}



جان بلندی داشت تن پستی خاک

مجتمع شد خاک پست و جان پاک

(ص ۱۲ ب ۲۰۷)

۲- در میان سنگ و آتش مانده‌ام

هم معطل هم مشوش مانده‌ام

(ص ۵۶ ب ۷)

با درج دو بیت بعد مفهوم کلمات سنگ و آتش به روشنی معلوم می‌شود:

سنگ ریزه می‌خورم در تفت و تاب

دل پر آتش می‌کنم بر سنگ خواب

چشم بگشایید ای اصحاب من

بنگرید آخر به خورد و خواب من

(ص ۵۰ ب ۸۸۱-۸۸۲)

۳- مرد گفت اکنون ازین خجلت چه سود

کار چون افتاد برخیزیم زود

(ص ۷۹ ب ۷۸)

برای حفظ ارتباط منطقی مطلوب است بیت زیر از نسخه اصلی افزوده شود:

لازم درگاه حق باشیم ما

در تظلم خاک می‌باشیم ما

(ص ۸۳ ب ۱۳۹۰)

۴- در حکایت رابعه عدویه دو بیت از آخر آن حذف

شده که با توجه به پاسخ هدهد، این حکایت بدون این

دو بیت کامل نیست، بنابراین در ص ۹۳ بعد از بیت ۱۱

باید دو بیت زیر را اضافه کرد:

یا مرا در خانه من ده قرار

یا نه اندر خانه خویشم گذار

تا نباشد عاشقی چون رابعه

کی شناسد قدر صاحب واقعه

(ص ۱۰۰ بیت ۱۸۰۸-۱۸۰۹)

۵- صورتی از خلط و خون آراسته

کرده نام او مه ناکاسته

(ص ۱۰۲ ب ۱۴)

برای رسایی کلام و درک نتیجه جواب هدهد

پیشنهاد می‌شود دو بیت زیر از نسخه اصلی افزوده شود:

گر شود آن خلط و آن خون کم ازو

زشت تر نبود درین عالم ازو

(ص ۱۲۵ ب ۲۲۳۸)

چند گردی گرد صورت عیب جوی

حسن در غیب است حسن از غیب جوی

(ص ۱۲۵ ب ۲۲۴۰)

۶- قطره‌ای آب از قدم تا فرق درد

کی تواند کرد با دریا نبرد

(ص ۱۰۵ ب ۶)

قبل از بیت مذکور باید بیت زیر را از نسخه اصلی

اضافه کنیم تا معنای «قطره آب» برای دانشجو روشن شود:

تو اگر آلوده گر پاک آمدی

قطره‌یی آبی که با خاک آمدی

(ص ۱۲۹ ب ۲۳۱۸)

۷- آه اگر از جای خاص آید پدید

مرد را حالی خلاص آید پدید

(ص ۱۲۰ ب ۲)

با افزودن بیت زیر از نسخه اصلی معنی «جای

خاص» معلوم می‌شود و دیگر بیت نیازی به توضیح ندارد. جایگاه خاص مغز جان تست

قشر جانت نفس نافرمان تست

(ص ۱۷۷ ب ۳۱۶۸)

۸- رفت معشوقش به بالینش فرارز

دید او را خفته و ز خود رفته باز

(ص ۱۳۵ ب ۱۸)

برای حفظ ارتباط مضمون ابیات لازم است دو بیت

بعد از آن درج گردد:

رقعه‌ای بنوشت چست و لایق او

بست آن بر آستین عاشق او

عاشقش از خواب چون بیدار شد

رقعه برخواند و برو خون بار شد

(ص ۱۹۶ ب ۳۵۲۲-۳۵۲۳)

۹- ذره‌یی از حیرت عقبی مرا

بیش از صد کوه در دریا مرا

(ص ۱۴۴ ب ۱۶)

بیت مذکور در نسخه اصلی مربوط است به حکایت

«نومریدی که پیر خویش را در خواب دید» ۱۶ به سبب

این که بین بیت یاد شده با ابیات قبل از آن ارتباطی

دیده نمی‌شود، بهتر است حذف شود.

۱۰- هر چه ایشان کرده بودند آن همه

بود کرده نقش تا پایان همه

جان یوسف را به خواری سوخته

و آن گه او را بر سری بفروخته

(ص ۱۵۵ ب ۲ و ۳)

فهم ابیات فوق بدون دانستن حکایت «فروختن

حضرت یوسف به مالک دعر و خط سندن مالک از

برادران به هنگام خرید یوسف (ع) و... قدری مشکل

است و لازم است حکایت ذکر شده از نسخه اصلی به

صورت گلچین آورده شود ۱۷ و اگر آوردن حکایت باعث

حجیم شدن کتاب می‌شود می‌توان در بخش توضیحات

به اختصار به آن اشاره کرد.

دیگر سخن آن که برخی از ابیات گزیده ویژگی

اشعار «سهل و ممتنع» را دارند اما نه به گونه شعر فرخی

و سعدی. سهل اند بدان سبب که به نظر استاد به قدری

ساده بودند که ایشان نیازی به توضیح ندیدند، اما

همین ابیات برای فراگیران مشکل می‌نماید. انتظار

داریم مؤلف گرامی در صورت صوابدید در چاپهای بعدی

کتاب درباره پاره‌ای از ابیات شرح مختصری مرقوم

فرمایند. جهت پرهیز از اطاله کلام به ذکر دو بیت بسنده

می‌شود:

هیچکس را در جهان این اوفتاد

کو پس از مردن بزاید نابزاد

(ص ۱۰۶ ب ۲۸)

چون برون آیی ز پندار وجود

بر تو گردد دور پرگار وجود

(ص ۱۸۸ ب ۱۸)

به حق باید گفت این کتاب در مقایسه با سایر

کتابهای دانشگاه پیام‌نور غلط‌های چاپی و نگارشی

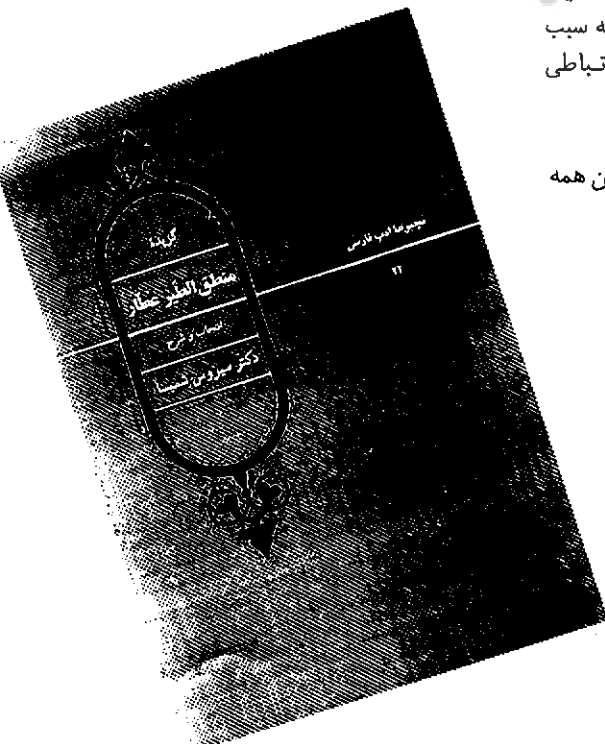
کمتری دارد و این امر نشانگر دقت نظری است که مؤلف

محترم در تدوین کتاب ملحوظ داشته‌اند. نگارنده به

هنگام مطالعه به مواردی چند برخورده است که به قرار

زیر فهرست می‌شود:

در صفحه ۱۶ سطر دوم به جای «مشبه» دوم باید



«مشبه به» درج شود و جمله بدین صورت اصلاح گردد:
«.. مشبه معقول و مشبه به محسوس یا مادی است.»

در ص ۱۸ سطر ۱۶ گویا به جای «حکایات» به اشتباه «حکایت» آمده است.

در ص ۲۶ ذیل توضیح شماره ۱۰ آمده است: «نوح هفتصد و پنجاه سال قوم خود را ارشاد کرد...» در قرآن کریم سوره عنکبوت آیه ۱۴ می‌خوانیم: «و لقد ارسلنا نوحاً الی قومه فلیت فیهم الف سنة الا خمسین عاماً...» بنابراین هفتصد و پنجاه سال نادرست است و به جای آن باید «نهصد و پنجاه سال» قید گردد.

در ص ۳۸ بیت ۱۶ با توجه به نسخه چاپی دکتر گوهرین به جای «سوختی» به غلط «سوختم» درج شده است.

ص ۹۶ در اشاره به حدیث نبوی، به جای «ساء ثئی»، باید «سائلئی» درج شود.

در ص ۱۰۷ بیت آخر مصرع اول «داد شه را میوه و شه چون چشید» درست است، که به اشتباه «داد شد را...» چاپ شده است.

در ص ۱۰۹ بیت ۹ بر اساس چاپ دکتر گوهرین بهتر است «یا»ی کلمه «مشغولی» به ضرورت وزن شعر مُشَدَّد گردد تا بیت روان و بی‌سکته خوانده شود. درست نظیر بیت ۹ ص ۱۱۶ که مُشَدَّد بودن «یا»ی کلمه «گستاخی» کار قرائت بیت را آسان ساخته است.

گر به راه آید و شاق اعجمی

هست «گستاخی» او از خرمی
از آنجا که مُشَدَّد ساختن برخی کلمات به درست خوانی بیت‌ها کمک زیادی می‌کند پیشنهاد می‌شود در دیگر موارد نیز یکدست و یکنواخت عمل شود. به عنوان مثال کلمات «دوستداری» و «دوستی» در بیت زیر مُشَدَّد نیستند:

دوستداری تو آزاری بود

دوستی او تو را کاری بود
(ص ۱۱۷ ب ۷)

و یا کلمه‌ی زندگی در بیت:

در دو عالم شادی مردان بدوست

زندگی گنبد گردان بدوست
(ص ۱۱۹ ب ۴)

در ص ۱۳۱ بیت ۱۲ در مصرع اول بر اساس نسخه اصلی به جای «عاشق» باید «عشق» قید شود.

در ص ۱۳۴ مصرع دوم بیت اول را باید بر اساس نسخه اصلی به صورت «معرفت را وادی بی بی پا و سر» اصلاح کرد.

در ص ۱۴۶ در مصرع دوم بیت ۲۶ «یراقی» نادرست است و به جای آن باید «براقی» درج شود.

در ص ۱۶۷ عنوان ابیات که به صورت «شعر گفتن حجت حاصلی است» نادرست می‌نماید و باید به صورت «شعر گفتن حجت بی حاصلی است» اصلاح گردد. شایان ذکر است که همین مصرع در صفحه ۱۶۸ بیت هشتم درست چاپ شده است.

کوتاه سخن این که استاد ترجمه یکدستی از آیات و احادیث به دست ندهاند. در پاره‌ای موارد معنی تحت‌اللفظی آیه و حدیث را نوشته‌اند و در مواردی هم به ترجمه روان مطابق با فارسی معیار پرداخته‌اند. ۱۸ و گاه حتی فراتر از این عمل کرده‌اند و در یک جا ترجمه تحت‌اللفظی و در جای دیگر ترجمه روان را نوشته‌اند. ۱۹ گاه نیز عین حدیث و ترجمه آن را در چند جا بی‌کم و کاست یادداشت نموده‌اند که برای پرهیز از تکرار بهتر بود برای بار اول حدیث و ترجمه آن را می‌آوردند و در دفعات بعدی به آن ارجاع می‌دادند. ۲۰

پانویس‌ها:

- ۱- منطق الطیر عطار، سیروس شمیس، ص ۸
- ۲- منطق الطیر عطار، صادق گوهرین ص ۱۲۵ ب ۲۲۴.
- ۳- منطق الطیر عطار، سیروس شمیس، ص ۸
- ۴- همان مأخذ، ص ۷.
- ۵- منطق الطیر، دکتر صادق گوهرین، ص ۳۴ ب ۷۹۹.
- ۶- همان مأخذ، ص ۶۸ ب ۱۲۰۴ و منطق الطیر، دکتر محمدجواد مشکور، ص ۷۸ ب ۹.
- ۷- منطق الطیر، گوهرین، ص ۹۰ ب ۱۶۲۰ و منطق الطیر مشکور، ص ۱۰۴ ب ۱۰.
- ۸- منطق الطیر، گوهرین، ص ۱۱۸ ب ۲۱۲۶.
- ۹- منطق الطیر، گوهرین، ص ۱۲۷ ب ۲۲۹۰ و منطق الطیر، مشکور، ص ۱۵۰ ب ۱۶.
- ۱۰- منطق الطیر، گوهرین، ص ۱۳۵ ب ۲۴۲۶.
- ۱۱- همان‌ذاتی الطیر، محمدجواد مشکور، ص ۲۶۸ ب ۱۵.
- ۱۲- همان مأخذ، صص ۳۰۵-۳۰۶.
- ۱۳- زبان فارسی ۳ و ۴ از سری کتابهای درسی نظام جدید آموزش متوسطه سال دوم، شرکت چاپ و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۸، صص ۱۸۲، ۱۸۴ و یا رک. دستور کار بردی زبان

فارسی، مهرانگیز نوبهار، تهران، انتشارات رهنما، چاپ اول، ۱۳۷۲، صص ۲۱۴-۲۱۷.

۱۴- منطق الطیر، گوهرین، ص ۳۱۷.

۱۵- شماره صفحات و ابیات حذف شده از نسخه دکتر صادق گوهرین است.

۱۶- رک. منطق الطیر، گوهرین، ص ۲۱۹ ب ۳۹۳۵ به بعد.

۱۷- همان مأخذ، صص ۲۳۳-۲۳۴.

۱۸- رک. منطق الطیر عطار، سیروس شمیس، ص ۲۷.

ذیل توضیح ش ۱۶ و نیز ص ۴۴ ذیل توضیح ش ۲۳.

۱۹- رک. همان مأخذ، ص ۲۶، ذیل توضیح ش ۱۳ و ص ۴۴، ذیل توضیح ش ۱۷.

۲۰- رک. همان مأخذ، ص ۹۴، ذیل توضیح ش ۶ و ص ۱۱۱، ذیل توضیح ش ۱۸.

کتاب‌نامه:

- ۱- قرآن کریم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ۲- به سوی سیمیغ، نعمت‌الله قاضی (شکیب) تهران، انتشارات بیزور، چاپ سوم، ۱۳۵۶.
- ۳- دستور کاربردی زبان فارسی، مهرانگیز نوبهار، تهران، انتشارات رهنما، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۴- زبان فارسی (۳ و ۴) از سری کتاب‌های درسی نظام جدید آموزش متوسطه، سال دوم، شرکت چاپ و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- ۵- شرح کامل منطق الطیر، اصغر برزی، انتشارات اعظم بنات، چاپ دوم، ۱۳۴۴.
- ۶- فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، محمدجعفر یاحقی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ۷- فرهنگ تلمیحات، سیروس شمیس، تهران، انتشارات فردوس، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ۸- فرهنگ نامه شعری، دکتر رحیم عقیقی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۲.
- ۹- فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات و تعبیرات آثار عطار نیشابوری، دکتر رضا اشرف‌زاده، مشهد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۷.
- ۱۰- گزیده منطق الطیر عطار، به شرح سیروس شمیس، تهران، نشر قطره چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۱۱- منطق الطیر عطار، به تصحیح دکتر سیدصادق گوهرین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
- ۱۲- منطق الطیر عطار، سیروس شمیس، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، چاپ دوم، خرداد ۱۳۷۳.
- ۱۳- منطق الطیر عطار، به تصحیح دکتر محمدجواد مشکور، تبریز، انتشارات کتابفروشی تهران، ۱۳۴۱.